

مطالعه جامعه‌شناختی منابع هویتی دانشجویان دانشگاه تهران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۶، شماره ۵: ۲۹۳-۳۱۲

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

محمدرضا انصاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران، گروه

جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

شهلا کاظمی^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

رضا علی محسنی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

پذیرش ۹۸/۱۲/۱۹

دریافت ۹۸/۱۱/۲۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه جامعه‌شناختی منابع بنیان هویتی دانشجویان و سطوح تداخل هویت‌های سه‌گانه دینی، ملی و مدرن می‌باشد. سؤال محوری پژوهش حاضر این است که هویت دانشجویان از چه منابعی ساخته می‌شود و منابع هویت‌ساز چه ارتباطی با همدیگر دارند. برای پاسخ به سؤالات مذکور تلاش گردید مبانی و الگوهای نظری جامعه‌شناختی مربوط به هویت بررسی شود و نهایتاً چارچوب نظری پژوهش حاضر با تکیه بر دو سطح خرد و کلان و بر اساس نظریه خرد کنش متقابل نمادین و نظریه‌های کلان‌گیدنز، جنکینز و کاستلز طراحی شود. روش پژوهش حاضر روش پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه تهران هستند. حجم نمونه ۳۸۰ نفر برآورد گردید که با توجه به ماهیت جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از پردیس دانشکده فنی، علوم اجتماعی و پردیس دانشکده هنرهای زیبا انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود و روایی و اعتبار به کمک آلفای کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که منابع هویتی دانشجویان متکثر است و هیچکدام از الگوها و منابع هویتی قابل‌تقلیل به همدیگر نیست؛ به عبارت دیگر، هویت دانشجویان ترکیبی است موزایک‌وار از عناصر مختلف و هرکدام از منابع سهم مشخصی در پازل هویت دانشجویان دارند؛ ارتباط آنها با همدیگر از جنس ارتباط تعاملی و تداخلی است و نقش تراجمی نسبت به همدیگر ندارند. هویت دانشجویان چندمرکزی و متکثر است.

کلیدواژگان: منابع هویتی، هویت دینی، هویت ملی، هویت مدرن، جهانی‌شدن

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: skazemipour@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

آگاهی از «بودن در جهان»، سؤال از کیستی و چیستی خود، شناخت و معرفت نسبت به خود و اطلاع از تمایز و شباهت خود با دیگری، احساس تعلق به مجموعه مشابهی از خودها در چارچوب «ما» و احساس تفاوت و تمایز با مجموعه متفاوتی از خودها در چارچوب «آن‌ها» تنها به انسان و زندگی فردی و اجتماعی او اختصاص دارد و همواره شناخت این مکانیسم و پیامدهای رفتاری و سیاسی آن مورد تدقیق و مطالعه انسان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان، سیاست‌شناسان و فلاسفه بوده است.

در چند دهه گذشته پرسش از هویت در میان جامعه‌شناسان مورد بحث و مناقشه بوده است. یکی از مهمترین مباحث و مناقشات مربوط به هویت که در چند دهه گذشته در میان جامعه‌شناسان مطرح بوده است، منابع و شالوده‌های تشکیل هویت در جامعه مدرن است. طرفداران هویت‌های مدرن با تفکیک دوگانه جامعه مدرن و سنتی، معیارهای تمایزیابی و ارائه هویت بر اساس ویژگی‌های خودبنیاد را ویژگی جامعه مدرن دانسته و نقش و تأثیر مؤلفه‌های ساختاری مانند دین، قومیت و ملیت در زندگی اجتماعی را کمرنگ می‌دانند و معتقدند هویت‌های کنونی بر مبنای علایق و مسائل مشترک جهانی و در چارچوب ویژگی‌های محوری تجدد شکل گرفته و در دهه‌های اخیر از میان عناصر ویژگی بخش تجدد، فرهنگ مصرفی متناسب با نظام سرمایه‌داری نقش مهمی داشته است. به این معنا که در فرایند جهانی شدن فرهنگ، مصرف به منبع اصلی هویت و تمایز اجتماعی تبدیل شده است. بدین ترتیب تا حدودی، مصرف جایگزین پیوندهای سیاسی، قومی، طبقاتی و غیره شده است و از مهمترین عوامل هویت بخش زندگی مدرن به شمار می‌آید. مصرف در چنین شرایطی معطوف به هویت است و بازسازی فرهنگی خویشتن به واسطه امکان‌های ارائه‌شده در بازار سرمایه‌داری نهادینه می‌شود. فرهنگ مصرفی باعث می‌شود تا فرد به جای این که از طریق روابط اقتصادی (طبقه) یا پیوندهای سیاسی (ملیت) و پیوندهای محلی (قومیت) هویت پیدا کند با خوردن، نوشیدن، پوشیدن و نحوه گذران اوقات فراغت یا به عبارتی دیگر شیوه زندگی هویت یابد نه بر مبنای علایق و تعلقات فرهنگی. (فریدمن، ۱۹۹۴: ۱۰۴).

از طرف دیگر در دهه‌های پایانی قرن بیستم، جهان شاهد برجسته‌شدن فرهنگی شده است که بیش از هر چیز در اشکال متعدد خاص‌گرایی‌های فرهنگی در قالب خاص‌گرایی‌های قومی، دینی و جنبش‌های ملی‌گرایانه خود را نشان داده است. از آنجا که خاص‌گرایی فرهنگی نمودهای گوناگون دارد و تابع متغیرهای متعدد است، پژوهشگران برای تبیین این گونه پدیده‌ها به متغیرهای متعددی اشاره می‌کنند که یکی از مهمترین آن‌ها فرآیند جهانی‌شدن است. استدلال این گروه این است که در اثر تغییرات ساختاری و فرهنگی متمایزی که در دهه‌های اخیر قرن بیستم رخ داده و چهره جهان را دگرگون ساخته است، هویت‌های منسجم و نسبتاً پایدار سنتی رو به افول گذاشته‌اند و منابع هویت‌یابی و تعلقات گروهی متعدد و متکثر شده‌اند. فرآیند جهانی‌شدن از طریق بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر ساختن مرزها و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی، منابع و شرایط لازم برای هویت‌سازی و معنایابی سنتی را تا حدود بسیار زیاد از بین برده است در نتیجه نوعی بحران هویت و معنا پدید آمده است و بازسازی هویت به امری گریز ناپذیر تبدیل شده است.

از سویی دیگر تداوم حیات سرزمینی همچون ایران، در منطقه‌ای که شاهد ظهور و بروز انواع خشونت‌ها، اختلافات قومی و افزایش وفاداری‌های فراملی و فروملی با محتوای مذهبی هست، شناخت هویت و سازوکارهای تعریف هویت را به مسأله جدی تبدیل کرده است. حال با توجه به این شرایط سؤال محوری پژوهش حاضر این است که آیا موقعیت‌های ساختاری و تعلقات ملی و دینی بنیان و شالوده هویتی دانشجویان را می‌سازد یا بنیان و اساس هویت دانشجویان با تکیه بر بنیان‌های مدرن و ارزش‌های عام‌گرایانه جهانی ساختار یافته است؟ استدلال پژوهش حاضر این است که هویت جدید در نتیجه ترکیب سطوح، الگوها و منابع متعدد دارای ویژگی ترکیبی و درهم‌گرا با معانی جدید است. در این شکل از هویت، بنابراین منابع هویت‌ساز دانشجویان متکی به سه منبع ملی، دینی و مدرن است و تزاومی بین آنها متصور نیست. بدین ترتیب نمی‌توان هویت جدید را در شکل بنیادی و مطلق آن، چه در چارچوب پذیرش مؤلفه‌های مدرن و نقض مؤلفه‌های دیگر و یا به‌عکس در چارچوب پذیرش الگوهای ملی و دینی و نقض مؤلفه‌های مدرن و جهانی تحلیل کرد.

پیشینه و ادبیات پژوهش

موضوع هویت یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی در درون علم جامعه‌شناسی بوده است و در چارچوب جامعه‌شناسی کلان‌نگر برای شناخت تغییر و تحولات اجتماعی کلان جامعه و تقسیم نظام‌های اجتماعی سنتی و مدرن و در چارچوب جامعه‌شناسی خردنگر و در تحلیل رفتار معنادار اجتماعی مورد تأکید بوده است. بنابراین به لحاظ نظری سابقه و پیشینه توجه به هویت را می‌توان در سنت جامعه‌شناسی کلاسیک از جمله دورکیم، وبر و زیمل تا جامعه‌شناسی جدید از جمله گیدنز، کاستلز و اینگلهارت پی گرفت. در این بخش تلاش شده است به سابقه و پیشینه تجربی موضوع هویت در ایران پرداخته شود و مباحث نظری مرتبط با هویت در بخش مبانی و الگوهای نظری مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش‌های تجربی انجام‌شده را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد. دسته‌ای از پژوهش‌ها در بررسی نسبت عناصر و مؤلفه‌های هویت در سطوح چندگانه محلی، ملی، دینی و جهانی معتقدند که بین این عناصر تعارض ساختاری وجود ندارد؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲)، ابوالحسنی (۱۳۸۸)، صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۸)، صدیق سروستانی و حاجیانی (۱۳۷۸)، سفیری و نعمت‌اللهی (۱۳۹۰)، وثوقی و همکاران (۱۳۹۶)، حیدری و رضوانی باصری (۱۳۹۴) و نصرتی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) در یک مطالعه نظری و تبیین تجربی نشان دادند این باور که احساسات و تعلقات قومی در ایران مانع بزرگی در تقویت و بروز هویت ملی اقوام ایرانی است، چندان درست نیست. با توجه به نتایج تحلیل ثانویه می‌توان گفت که لزوماً رابطه هویت ملی و قومی معکوس و کاهنده نیست و این دو درحالت سازگاری و همزیستی در میان اقوام ایرانی (ترکمن، آذری، بلوچ، عرب، لر و کرد) دیده می‌شوند. ابوالحسنی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی» به مطالعه میزان هویت قومی، ملی، امتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشانگر این است که تقابلی میان هویت ملی شهروندان و دو هویت قومی و امتی وجود ندارد. صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «ابعاد فرهنگی-اجتماعی سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن» به این باورند که حوزه هویت برای نظریه‌پردازان ایرانی، عرصه

مواجهه سنت و مدرنیته است. فرض این پژوهش پیوندی بودن هویت دانشجویان به معنای ترکیبی از مؤلفه‌های سنتی و مدرن است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند اما در بخش هویت سیاسی این مؤلفه‌های سنتی هستند که نقش بیشتری ایفا می‌کنند. سروستانی و حاجیانی (۱۳۷۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی منابع هویت ایرانی» با بررسی انواع هویت جمعی در ایران و میزان قوت هر کدام از ابعاد، و روابط بین ابعاد هویتی صورت گرفته است. در این پژوهش هویت ایرانی، ترکیبی و چند بعدی شامل هویت‌های ملی، قومی، مذهبی و مدرن منظور شده است و روابط ابعاد هویتی متعادل و هماهنگ فرض شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قوت ابعاد فرهنگی هویت ملی، هویت قومی و هویت مذهبی، سپس گرایش در حد میانگین به ابعاد اجتماعی هویت‌های ملی، قومی و مذهبی، گرایش پایین‌تر از میانگین به ابعاد سیاسی هویت ملی و قومی و در نهایت گرایش ضعیف به ابعاد سه‌گانه هویت مدرن می‌باشد. از طرفی یافته‌ها از وجود تعاملات مثبت فراوان بین اکثر ابعاد هویت ملی، هویت قومی و هویت مذهبی با همدیگر و فاصله معنی‌دار هویت مدرن با دیگر ابعاد هویت ایرانی حمایت می‌کنند. سفیری و نعمت‌الهی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه ابزارهای جهانی شدن و هویت دینی» عنوان کرده‌اند که جهانی شدن با تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان، ارتباطات را گسترش داده و همزیستی فرهنگی و تعاملات فرهنگی را دوجندان کرده است. از جمله پیامدهای این پدیده، رواج نسبی‌گرایی در ارزش‌های فرهنگی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد جهانی شدن با ابزارهای بارز خود (اینترنت، ماهواره) سبب ظهور ارزش‌هایی چون نسبی‌گرایی، لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی و ... می‌شود و ظهور این ارزش‌ها بر هویت دینی افراد تأثیر می‌گذارد و هر قدر میزان استفاده افراد از اینترنت و ماهواره بیشتر شود، میزان هویت دینی آن‌ها کاهش می‌یابد. وثوقی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی «هویت ملی و محلی مردم لک» به مطالعه جامعه‌شناختی هویت ملی و محلی لک‌زبانان ایران می‌پردازند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بین هویت ملی و هویت محلی همبستگی وجود داشته و شدت گرایش به هویت ملی، قویتر از گرایش به هویت محلی است؛ هم‌چنین متغیرهای همزیستی فرهنگی، هویت محلی و علائق زیبایی‌شناختی بومی بر هویت ملی اثر تقویتی داشته است (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۶). حیدری و رضانی باصری (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی مدرن با هویت

دینی و مقایسه جنسیتی آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه شهر مرودشت)» به بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی مدرن با هویت دینی پرداخته‌اند. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که همبستگی جهت‌گیری ارزشی مدرن با ابعاد اعتقادی و احساسی هویت دینی منفی و معنی‌دار بوده؛ اما همبستگی آن با بعد عملی و کلی هویت دینی معنی‌دار نبوده است. و در مجموع عنوان کرده‌اند که رابطه بین جهت‌گیری ارزشی مدرن و هویت دینی، تقابلی نبوده است.

نصرتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی انسان‌شناختی شالوده هویت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دو گروه قومی (ترک و کرد) نتیجه می‌گیرد که هویت دانشجویان گروه‌های قومی فقط در ارتباط با شاخص‌های سبک زندگی متأثر از الگوی عام‌گرایی فرهنگی است. بدین ترتیب دانشجویان با تکیه بر الگوهای عام تلاش می‌کنند ارتباط و تعامل دیالکتیکی بین الگوهای هویتی محلی، ملی و جهانی برقرار کنند. دانشجویان تنها یک هویت یکپارچه برگرفته شده از یک اجتماع، قومیت یا ملیت ندارند. بلکه آنان می‌کوشند مؤلفه‌های مختلفی را از اجتماعات مختلف محلی، ملی و فراملی گزینش کنند و در درون خود ترکیبی خاص از آن‌ها به وجود بیاورند.

دسته دیگری از پژوهشگران استدلال می‌کنند که رابطه بین عناصر و مؤلفه‌های هویتی در سطوح مختلف رابطه‌ای از نوع رابطه معکوس است. به این معنا گرایش به سمت یک نوع هویت باعث فاصله‌گرفتن از نوع دیگری از هویت است. در بررسی این نوع گرایش‌ها گرایش‌های هویتی دوگانه محلی/ملی، ملی/جهانی، ملی/دینی، جهانی و دینی و یا گرایش‌های سه‌گانه محلی/ملی/جهانی بررسی شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به معیدفر و همکاران (۱۳۹۳)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۲) و خالق پناه و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد.

معیدفر و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان «جهانی‌شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی؛ مطالعه کردهای سنندج» به این پرسش می‌پردازند که آیا جهانی‌شدن و روند روبه‌رشد آن موجب شده است تا مجدداً هویت‌های قومی متأخر به ضرر هویت‌های ملی در گستره کشورهای تقویت شوند؟ نتایج نشان می‌دهد که افزایش مصرف رسانه‌های جهانی شده به تضعیف هویت ملی و هویت دولت‌ساز منجر شده است؛ از سوی دیگر، این عامل هویت قومی را تقویت کرده است. در وضعیتی مانند فعال‌تر شدن نهادهای غیردولتی و تحرک بیشتر صنعت گردشگری و رونق اقتصادی، می‌توان انتظار داشت هویت قومی تقویت شود.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)» به بررسی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر هویت ملی و قومی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین هویت ملی با عزت نفس و احساس محرومیت معنادار و منفی بوده است. هم‌چنین هویت ملی با متغیر زبان مادری رابطه معنادار نداشته است. در عین حال دانشجویان طبقه پایین از هویت ملی پایین‌تری نسبت به سایر دانشجویان برخوردار بوده‌اند. در بخش هویت قومی نیز روابط معنادار و مثبت بوده است.

خالق‌پناه و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش «جدال سنت و مدرنیته در راستای ساختن و برساختن هویت جمعی جوانان در جوامع شبه مدرن (تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی تحت تأثیر قومیت)» نشان داده‌اند بُعد غالب هویت جمعی در میان دانشجویان گرد، هویت قومی، سپس هویت جهانی است و در میان دانشجویان غیر گرد، هویت جهانی بُعد غالب هویت جمعی می‌باشد و در هر دو گروه هویت ملی در سلسله مراتب ترجیحات هویتی در جایگاه نازلی قرار دارد. هم‌چنین در میان دانشجویان گرد، سرمایه فرهنگی بیشترین ضریب همبستگی را با هویت قومی دارد و در میان دانشجویان غیر گرد، بیشترین ضریب همبستگی سرمایه فرهنگی با هویت جهانی است.

مروری بر پیشینه مطالعات انجام‌شده گویای این است که هویت امری چندوجهی است و عناصر و مؤلفه‌های اجتماعی متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند؛ اما نکته مهم این است که هویت را نمی‌توان در چارچوب رویکردی خام و مبتنی بر منطق پوزیتیویستی درک کرد بلکه رویکرد به هویت بایستی رویکردی طیفی و مبتنی بر منطق فازی باشد.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب پژوهش حاضر این است که هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و انسان‌ها نخواهند توانست بدون داشتن چارچوبی برای تعیین هویت به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اما نکته حائز اهمیت این است که هویت‌های خالص مفاهیمی موهومند که اغلب به وسیله ایدئولوژی‌های کلی‌پرداز عصر مدرن عنوان شده‌اند؛ به سخن دیگر، ایدئولوژی‌های مورد نظر در پی خالص‌سازی هویت قومی، ملی، مذهبی و غیره برآمده‌اند اما از

چشم‌اندازی غیرایدئولوژیک و یا چشم‌انداز دیالکتیک تاریخی هویت‌ها همواره ناخالص، مرکب، آمیخته، ناتمام، سیال، گذرا و در حال بازسازی هستند و به وسیله آنچه در قالب غیر تصور می‌شود، تعین و تشخیص می‌یابند. در دنیای امروز در نتیجه دسترسی به منابع متعدد هویتی بازسازی هویت اصل انکارناپذیری است. بازسازی هویت نه تنها فراگیر است و به سطح معینی محدود نمی‌شود، انواع پرشمار و گوناگونی نیز دارد. بازسازی‌های خاص‌گرایانه در خاص‌گرایی‌های فرهنگی و بازسازی عام‌گرایانه در عام‌گرایی‌های فرهنگی نمود می‌یابند. برای بحث از بازسازی غیر خاص‌گرایانه و عام‌گرای هویت بهتر است که ابتدا دو وجهی بودن تأثیر فرآیند جهانی‌شدن در عرصه هویت را مورد توجه قرار دهیم تا روشن شود که این فرآیند در عین حال که هویت‌سازی سنتی را مخدوش و مختل می‌سازد، امکانات و بسترهای جدیدی را برای بازسازی هویت فراهم می‌کند. فرآیند جهانی‌شدن صرفاً بحران‌آفرین نیست، بلکه ابزارهای کارآمدی را برای گذر از بحران عرضه می‌کند. به همین دلیل برخی نظریه‌پردازان در بحث از پیامدهای جهانی‌شدن، آن را موجد آزادی و اضطراب و فرصت و خطر می‌دانند و از دیالکتیک جهانی‌شدن سخن می‌گویند. فرآیند جهانی‌شدن نه تنها منابع هویت، بلکه امکانات هویت‌سازی را نیز افزایش می‌دهد و آزادی عمل فرد را در این عرصه به نحو چشمگیری بالا می‌برد. فرد در جوامع سنتی معمولاً به صورتی منفعلانه هویت می‌یافت و ناخودآگاه و خودبه‌خود میراث‌دار هویتی می‌شد که در طول زندگی چندین نسل حفظ شده بود؛ این انفعال تا حدود زیادی از معدود و اندک بودن منابع هویت ناشی می‌شد. در چنین شرایطی تولید روایت‌های بدیل از خویشتن بسیار ناچیز بود و نوگرایی و بدعت با واکنش منفی مواجه می‌شد. اما هویت در جهان امروز به تعبیر گیدنز ویژگی بازاندیشانه دارد؛ بدین معنا که کنشگر به صورت بازاندیشانه‌ای به ارزیابی فعالیت‌های خود در ساخت اجتماعی می‌پردازد و تأثیرگذاری و تغییر شرایط اجتماعی افراد اساساً نتیجه توانایی آنها در بازاندیشی نسبت به رفتار خویش است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۳). از این منظر هویت افراد هم بر اساس خودآگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱).

بدین ترتیب با توجه به ماهیت توصیفی و تحلیلی پژوهش حاضر مدل شماتیک تحلیل هویت و منابع هویتی دانشجویان به این صورت است: بنیان هویت دانشجویان مبتنی بر دو بنیان فردگرایانه و جمع‌گرایانه است. جنبه‌های فردگرایانه هویت دانشجویان متأثر از منابع مدرن و با

تکیه بر ارزش‌ها و هنجارهای معرفتی و اجتماعی عام‌گرای مدرن و جهانی است. جنبه‌های ساختارگرایانه و جمع‌گرایانه هویت دانشجویان متأثر از دو مؤلفه ریشه‌دار و سنتی و با تکیه بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی معرفتی و رفتاری خاص‌گرای ملی و دینی است. هر کدام از این منابع در ساخت هویت دانشجویان نقش موثری دارند.

پرسش‌های پژوهش

۱. هویت دانشجویان از چه منابعی ساخته شده است؟
۲. منابع هویت‌ساز دانشجویان مبتنی بر معیارهای مدرن و جهانی است یا مبتنی بر موقعیت‌های ساختاری همچون ملیت و دین؟
۳. آیا میان الگوهای هویت‌ساز دینی-ملی و جهانی (مدرن) در میان دانشجویان تقابل و تضادی وجود دارد؟
۴. آیا هویت دانشجویان متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی از جمله جنسیت، موقعیت اقتصادی، اجتماعی و رشته تحصیلی آنهاست؟

فرضیات

- بین گرایش به ارزش‌های مدرن و هویت دینی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
- بین گرایش به ارزش‌های مدرن و هویت ملی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
- بین گرایش به ارزش‌های جهانی و هویت دینی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
- بین گرایش به ارزش‌های جهانی و ارزش‌های ملی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
- بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
- بین جنسیت دانشجویان و گرایش به هویت در سطوح سه‌گانه هویت ملی، دینی و مدرن رابطه وجود دارد.
- بین دانشکده محل تحصیل دانشجویان و گرایش به سطوح سه‌گانه هویت ملی، دینی و مدرن رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و گرایش به هویت در سطوح سه‌گانه هویت ملی، دینی و مدرن رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر پیمایشی و توصیفی و مقطعی است. جامعه آماری شامل تعداد کل دانشجویان ثبت‌نام شده در ترم دوم سال تحصیلی ۹۷-۹۶ در دانشکده‌های فنی، هنر و علوم اجتماعی است؛ حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر محاسبه گردید. نمونه‌های مورد نیاز به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای و با توجه به حجم تعداد دانشجویان هر دانشکده تعیین گردید. ابزار اندازه‌گیری و گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد که برگرفته از طرح تحقیقی حاجیانی (۱۳۸۷) بوده است. برای سنجش مفاهیم این پرسشنامه اکثراً از طیف لیکرت استفاده شده است. پرسشنامه موردنظر به صورت مستقیم (حضور) در اختیار پاسخگویان قرار گرفته و پس از تکمیل اطلاعات توسط پرسشگر، پرسشنامه‌ها جمع‌آوری گردید. پرسشنامه حاوی ۸۵ سؤال است که ۷۸ مورد از آن درباره متغیرهای اصلی پژوهش، یعنی هویت و ابعاد آن، و بقیه درباره متغیرهای زمینه‌ای است که در این پرسشنامه گویه‌ها در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

توزیع جمعیتی و طبقاتی

نتایج جدول شماره (۱) حاکی از این است که ۱۴۰ نفر، معادل ۳۶٫۹٪ نمونه مورد مطالعه، دختر و در مقابل ۶۳٫۱٪ نمونه مورد مطالعه پسر می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از توزیع نسبت دانشجویان بر حسب دانشکده حاکی از این است که اکثریت دانشجویان از دانشکده فنی بودند. همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی حدوداً یک‌سوم نمونه مورد مطالعه «پایین» و در مقابل پایگاه اقتصادی و اجتماعی بیش از یک‌سوم پاسخگویان (حدوداً ۴۰ درصد) «بالا» ارزیابی شده است.

جدول (۱): توزیع جمعیت پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی به تفکیک جنس

دانشکده	دختر		پسر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دانشکده فنی	۷۳	۵۲,۲	۱۹۴	۸۰,۸	۲۶۷	۷۰,۳
دانشکده هنرهای زیبا	۵۱	۳۶,۴	۲۹	۱۲,۱	۸۰	۲۱,۱
دانشکده علوم اجتماعی	۱۶	۱۱,۴	۱۷	۷,۱	۳۳	۸,۶
مجموع	۱۴۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۳۸۰	۱۰۰
تعلق طبقاتی	پایین پایین	پایین	متوسط	بالا	بالای بالا	
توزیع نسبی	۹,۲۱	۲۲,۸۳	۲۸,۲۴	۲۴,۳۵	۱۵,۳۷	

نتایج سنجش گرایش به ابعاد هویتی

داده‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان به ابعاد و مؤلفه‌های مدرن هویت بیشتر از دو بعد دیگر هویتی (بعد ملی و دینی) است. تمایل به ارزش‌های مدرن در دو بعد معرفتی و اجتماعی به طور کلی در حد متوسط رو به بالا است. در مقام مقایسه می‌توان گفت، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدرن بیشترین اهمیت را در ساخت هویت دانشجویان و شاخص‌ها و مؤلفه‌های دینی کمترین اهمیت را در ساخت هویت دانشجویان دارند.

جدول (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
گرایش به ارزش‌های مدرن	۳,۹۰	۱,۶۷
گرایش به ارزش‌های مدرن در بعد معرفتی	۳,۵۰	۱,۵۷
گرایش به ارزش‌های مدرن در بعد اجتماعی	۴,۱۰	۲,۳۳
گرایش به ارزش‌های جهانی	۳,۲۰	۱,۲۹
گرایش به هویت ملی	۳,۰۱	۱,۱۸
گرایش به هویت ملی در بعد فرهنگی	۳,۳۰	۱,۳۷
گرایش به هویت ملی در بعد سیاسی	۲,۷۰	۱,۱۹
گرایش به هویت ملی در بعد مدنی	۲,۸۰	۱,۴۱
گرایش به هویت دینی	۲,۰۲	۱,۰۳
گرایش به هویت دینی در بعد معرفتی	۲,۸۰	۱,۲۵
گرایش به هویت دینی در بعد اجتماعی	۲,۲۰	۱,۳۰
گرایش به هویت دینی در بعد رفتاری	۲,۶۰	۱,۸۵

یافته‌های تبیینی

یافته‌های تبیینی پژوهش حاضر در خصوص میزان اثرگذاری گرایش به یک بعد هویتی و تأثیر آن بر گرایش بر ابعاد دیگر هویت به تفکیک گویای نتایج زیر است:

بررسی تأثیر گرایش به ابعاد مختلف ارزش‌های مدرن بر هویت دینی و ملی به منظور بررسی این فرضیه با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های آماری (نرمال‌بودن داده‌های آماری، پیوسته‌بودن متغیرها و وجود رابطه همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای مالک) از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول زیر نشان می‌دهد که ابعاد دوگانه ارزش‌های مدرن بر هویت دینی تأثیر معنادار و معکوس دارند. بیشترین تأثیر و نقش پیش‌بینی‌کنندگی بر روی گرایش دانشجویان به هویت دینی بر عهده بُعد معرفتی هویت مدرن است که به ازای یک انحراف معیار تغییر در بعد معرفتی، ۰,۴۵۳ انحراف معیار تغییر در هویت دینی ایجاد می‌شود و این دو بعد ۲۳ درصد از تغییرات هویت دینی را تبیین می‌کنند. لازم به ذکر است بر مبنای نتایج به‌دست آمده در جدول شماره (۴) گرایش به ابعاد مختلف هویت مدرن نمی‌توانند تغییرات هویت ملی را تبیین کنند.

جدول (۳): مربوط به نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه تأثیر ابعاد مختلف هویت مدرن بر هویت دینی

دانشجویان

Sig.	t	ضرایب استاندارد بتا	ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای پیش‌بین
			B	خطای استاندارد	
۰,۰۰۰	-۵,۳۲۲	-	۰,۲۰۱	-۱,۰۶۸	عدد ثابت
۰,۰۰۰	-۱۱,۸۸۹	-۰,۴۵۳	۰,۰۳۸	-۰,۴۵۲	بعد معرفتی هویت مدرن
۰,۰۰۶	-۱,۳۸۲	-۰,۰۵۳	۰,۰۴۰	-۰,۰۵۶	بعد اجتماعی هویت مدرن
$R^2=0.23$ $F=10.021$ $R=0.481$					

جدول (۴): جدول مدل رگرسیون برای بررسی تأثیر ابعاد هویت مدرن بر هویت ملی

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	مدل
۰,۰۶۲	۸,۶۲۵	۹۸,۵۲۳	۲	۳۲۰,۶۵۱	۱ رگرسیون
		۲,۷۴۱	۳۷۸	۳۴۱,۵۱۲	باقیمانده
			۳۸۰	۶۶۲,۱۶۳	کل

بررسی رابطه بین گرایش به ارزش‌های جهانی و هویت دینی و هویت ملی

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج حاصل از آن نشان داد که بین گرایش به ارزش‌های جهانی و هویت دینی و ملی رابطه معکوس وجود دارد؛ به بیانی دیگر، با تقویت گرایش دانشجویان به ارزش‌های جهانی، هویت دینی و ملی آنان با شدتی متوسط کاهش پیدا می‌کند.

جدول (۵): بررسی رابطه بین ارزش‌های جهانی شدن با هویت دینی و ملی

هویت ملی	هویت دینی		
-۰,۳۳	-۰,۳۸	همبستگی پیرسون	گرایش به ارزش‌های جهانی
۰,۰۰۵	۰,۰۰۳	سطح معناداری	
۳۸۰	۳۸۰	تعداد	

بررسی تأثیر گرایش به ابعاد مختلف هویت ملی بر هویت دینی

بر طبق نتایج به دست آمده، ابعاد مختلف هویت ملی می‌توانند حدوداً ۱۰ درصد از تغییرات هویت دینی دانشجویان را تبیین کنند، هر سه بعد هویت ملی تأثیر کاهنده بر هویت دینی داشته‌اند و در بین ابعاد هویت ملی، بعد فرهنگی هویت ملی (با ضریب $-۰,۴۱۱$) بیشترین تأثیر کاهنده را بر هویت ملی دانشجویان داشته است.

جدول (۶): مربوط به نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه تأثیر ابعاد مختلف هویت ملی بر هویت دینی

دانشجویان

Sig.	t	ضرایب استاندارد بتا	ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای پیش‌بین
			B	خطای استاندارد	
۰,۰۰۹	-۳,۱۲۴		۰,۳۵۱	-۱,۳۱۱	عدد ثابت
۰,۰۰۰	-۶,۳۵۴	-۰,۴۱۱	۰,۱۲۴	-۰,۳۳۲	بعد فرهنگی هویت ملی
۰,۰۰۶	-۳,۶۵۴	-۰,۱۱۳	۰,۱۶۳	-۰,۱۴۶	بعد سیاسی هویت ملی
۰,۰۰۴	-۲,۴۱۵	-۰,۱۰۰	۰,۳۱۰	-۰,۰۰۵	بعد مدنی هویت ملی
$R^2=0.103$ $F=7.652$ $R=0.320$					

مقایسه گرایش به ابعاد مختلف هویت بر حسب جنس

به منظور مقایسه گرایش دانشجویان دختر و پسر به ابعاد مختلف هویت از آزمون تی مستقل استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول (۷): مقایسه گرایش به ابعاد مختلف هویت بر حسب جنس

متغیر	جنس	میانگین	انحراف معیار	آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
ارزش‌های مدرن	دختر	۱۴۰	۳,۷۹	-۱۱,۱۷۰	۳۷۸	۰,۰۰۱
	پسر	۲۴۰	۴,۰۲			
ارزش‌های جهانی	دختر	۱۴۰	۲,۷۵	-۵,۷۷۲	۳۷۸	۰,۰۰۱
	پسر	۲۴۰	۳,۷۱			
هویت ملی	دختر	۱۴۰	۳,۰۴	-۲,۳۰۶	۳۷۸	۰,۰۲۲
	پسر	۲۴۰	۲,۹۹			
هویت دینی	دختر	۱۴۰	۲,۵۴	-۷,۲۱۲	۳۷۸	۰,۰۰۱
	پسر	۲۴۰	۱,۵۰			

بر طبق نتایج به دست آمده در جدول فوق می‌توان گفت بین گرایش دانشجویان دختر و پسر به ابعاد مختلف هویت مدرن تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که دانشجویان پسر بیشتر گرایش به ارزش‌های مدرن و جهانی دارند و در مقابل دانشجویان دختر بیشتر گرایش به هویت ملی و دینی دارند.

بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی با ابعاد مختلف هویت

نتایج حاصل از ماتریس همبستگی حاکی از این است پایگاه اقتصادی-اجتماعی با همه ابعاد هویت «به جز هویت ملی» رابطه معناداری دارد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده رابطه طبقه اقتصادی-اجتماعی با گرایش به ارزش‌های مدرن و جهانی مستقیم می‌باشد؛ به بیانی دیگر، هرچه دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی و اجتماعی بالاتری باشند، گرایش بیشتری به ارزش‌های جهانی و مدرن دارند و در مقابل، رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با هویت دینی معکوس شده است؛ یعنی با بالا رفتن طبقه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان، گرایش به هویت دینی در آنها تضعیف می‌شود.

جدول (۸): بررسی رابطه همبستگی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ابعاد مختلف هویت

هویت دینی	هویت ملی	گرایش به ارزش‌های جهانی	گرایش به ارزش‌های مدرن	متغیر	
-۰,۳۴	-۰,۱۹	۰,۶۲۰	۰,۴۹۱	همبستگی اسپیرمن	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۰,۰۰۴	۰,۶۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲	سطح معناداری	
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	تعداد	

مقایسه گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به ابعاد مختلف هویت

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس در خصوص مقایسه گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به ابعاد مختلف هویت حاکی از این است که بین گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به هویت مدرن، هویت ملی و هویت دینی تفاوت معناداری وجود دارد. برای آنکه مشخص شود که این تفاوت معنادار بین کدامیک از دانشکده‌ها بوده است، به کمک آزمون تعقیبی LSD به مقایسه جفتی دانشکده‌ها پرداخته شد که نتایج حاصل نشان داد که دانشجویان رشته‌های فنی بیشترین میزان گرایش به ارزش‌های مدرن، ملی و دینی را داشته‌اند و در مقابل دانشجویان رشته هنر کمترین میزان گرایش به ارزش‌های مدرن و ملی و دینی را داشته‌اند؛ دانشجویان رشته علوم اجتماعی هم بین دانشجویان فنی و هنر قرار دارند. به عبارت دیگر، به ترتیب دانشجویان رشته‌های ۱. فنی، ۲. علوم اجتماعی و ۳. هنر بیشترین میزان گرایش به ارزش‌های مدرن و ملی و دینی را داشته‌اند. البته لازم به ذکر است نتایج حاصل از مقایسه گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به ارزش‌های جهانی معنادار نشده است.

جدول (۹): مقایسه گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به ابعاد مختلف هویت

آزمون تعقیبی LSD			آزمون تحلیل واریانس		متغیر
سطح معناداری	اختلاف میانگین	دانشکده	سطح معناداری	آزمون F	
۰,۰۰۰	۱,۱۰۳۲۳*	هنر	۰,۰۰۱	۱۵,۳۳۸	ارزش‌های مدرن
۰,۳۵۶	-۰,۲۸۱۲۴	اجتماعی			
۰,۰۰۰	-۱,۱۰۳۲۳*	فنی	هنر		
۰,۰۰۰	*-۱,۳۸۴۴۷	اجتماعی			
۰,۳۵۶	۰,۲۸۱۲۴	فنی	اجتماعی		
۰,۰۰۰	*۱,۳۸۴۴۷	هنر			

ادامه جدول (۹): مقایسه گرایش دانشجویان دانشکده‌های مختلف به ابعاد مختلف هویت

آزمون تعقیبی LSD				آزمون تحلیل واریانس		متغیر			
سطح معناداری	اختلاف میانگین	دانشکده	دانشکده	سطح معناداری	آزمون F				
۰,۰۰۰	۱,۲۸۱۲۳*	هنر	فنی	۰,۰۰۱	۱۷,۱۸۴	هویت ملی			
۰,۰۵۳	۰,۶۲۴۷۹	اجتماعی							
۰,۰۰۰	-۱,۲۸۱۲۳*	فنی	هنر						
۰,۰۶۹	-۰,۶۵۶۴۴	اجتماعی							
۰,۰۵۳	-۰,۶۲۴۷۹	فنی	اجتماعی						
۰,۰۶۹	۰,۶۵۶۴۴	هنر							
۰,۰۰۰	۱,۵۰۵۹۹*	هنر	فنی				۰,۰۰۱	۱۸,۲۷۲	هویت دینی
۰,۰۶۹	۰,۲۰۵۹۹	اجتماعی							
۰,۰۰۰	-۱,۵۰۵۹۹*	فنی	هنر						
۰,۰۰۱	*-۱,۳۰۰۰۰	اجتماعی							
۰,۰۶۹	-۰,۲۰۵۹۹	فنی	اجتماعی						
۰,۰۰۱	*۱,۳۰۰۰۰	هنر							
-				۰,۱۱	۴,۵۳۳	گرایش به ارزش‌های جهانی			

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در شرایط طبیعی افراد جامعه با انواع مدلها، الگوها و هویت‌های فرهنگی آشنا شده و از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری، اثرپذیری از قدرت سیاسی، رسانه‌ها، عوامل طبیعی و جغرافیایی همگی آنها را به تدریج (و در طول زمان) درونی کرده خود را متعهد و متعلق به آنها تصور می‌نمایند. در رابطه با موضوع مورد بررسی در این تحقیق باید تصریح کرد که جمعیت نمونه به تمامی ابعاد هویت، تمایل و تعهد و گرایش جدی و قوی داشته و نسبت به همگی آنها متعهد هستند. هر چند در میزان این احساس تعلق و تعهد تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. باید پذیرفت کنشگران در یک نظام اجتماعی نمی‌توانند بی‌اعتنا و بی‌توجه به هویت‌های مختلف و جهان‌های زیست اطرافشان باشند.

نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بعد فرهنگی هویت ملی، قوی‌ترین سطح تعلق را به خود اختصاص داده است؛ به بیان دیگر گرایش دانشجویان به مؤلفه‌های فرهنگی بیشتر از سایر

عناصر هویت ملی بوده است که این امر بدین معنی است که دانشجویان با شاخص‌ها و عناصر فرهنگی هویت ملی مثل پرچم، سرود ملی، هنر ایرانی، غرور و تاریخ ایران و ... بیشترین تعلق و گرایش را داشته‌اند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین ابعاد هویت مدرن و هویت دینی رابطه معکوسی وجود دارد. در تبیین رابطه منفی بین هویت دینی و هویت مدرن می‌توان رابطه معکوس مظاهر هویت مدرن و مدرنیته را با مسائل و نمادهای دینی در نظر گرفت. به طوری که نسبی‌گرایی و فردگرایی که هر دو از مظاهر هویت مدرن هستند با هویت دینی رابطه معکوسی دارند. مدرنیته با مفاهیمی چون حق‌محوری، معترض‌بودن، انتقاد، شکاکیت، آزادی، انسان‌محوری و نسبی‌گرایی به اعتقاد برخی از اندیشمندان با برخی از مفاهیم موجود در اسلام همچون تکلیف‌محوری، مطلق‌گرایی، تسلیم و ایمان در تعارض است.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین گرایش به ارزش‌های جهانی و هویت ملی رابطه معکوسی وجود دارد که به نظر می‌رسد گرایش به ارزش‌های جهانی به چند طریق می‌تواند بر روی هویت ملی تأثیرگذارند. اولاً در اثر جهانی‌شدن و گسترش گرایش دانشجویان به ارزش‌های جهانی، نظم سنتی موجود مبتنی بر قدرت معناسازی نمادهای سنتی و هویت‌ساز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تضعیف می‌شود، ثانیاً به نوعی می‌توان گفت گرایش دانشجویان به ارزش‌های جهانی نه تنها موجب کاهش سطح اقتدار حکومت‌ها می‌شود، بلکه موجب تقویت خرده‌فرهنگ‌ها و تحریک آنها نیز می‌شود و با اولویت بخشی به هویت‌های فراملی موجبات تضعیف هویت ملی را فراهم می‌کند، ثالثاً از آنجا که گسترش ترویج و تبلیغ ارزش‌های جهانی بعضاً با ارزش‌های ملی سازگاری ندارد، از این طریق هم موجب تضعیف ارزش‌های ملی می‌شود.

شایان ذکر است رفتار نسل جوان امروز بر اساس ترکیبی موزاییکی از هویتی دینی، ملی، جهانی و مدرن شکل می‌گیرد. وجود رابطه معنادار بین ابعاد مختلف هویت در پژوهش حاضر نیز از الگوی موزاییکی بودن هویت حمایت کرد و نه الگوی سلسله‌مراتبی که در آن یک بعد هویت در رأس دیگر ابعاد قرار گیرد. مقایسه دانشجویان دختر و پسر نشان داد که در هویت دینی و ملی، دانشجویان دختر تفاوت معناداری با دانشجویان پسر دارند؛ در هویت ملی و دینی گروه دختران دارای میانگین بالاتری است. از دلایل احتمالی این موضوع می‌توان به رابطه نزدیک دینداری و هویت دینی و ملی اشاره نمود و اینچنین تبیین کرد که مذهب برخی از

حمایتهای اجتماعی را فراهم می‌آورد و منبعی از ترویج و ارتقای سلامتی را برای زنان در جامعه ما فراهم می‌کند، در حالی که مردان این حمایت را از راه‌های متفاوتی به دست می‌آورند.

بر اساس تحلیل‌های آماری انجام‌گرفته مشخص شده است که هویت‌های مختلف دارای تعاملات و مناسبات مختلفی با همدیگر هستند، هر چند قوت این مناسبات و روابط در همه موارد یکسان و یک اندازه نیست؛ به عبارتی، ساختار روابط میان عناصر هویت جمعی ایرانی یک ساختار منظوم و کاملاً مهندسی‌شده که هر کدام سهم و وزن یکسانی داشته باشند، نیست.

شاید بتوان گفت وجود این چندگانگی فرهنگی ظرفیت بالای ترکیب‌پذیری و ترکیب‌سازی و توانایی اشتقاق‌پذیری دانشجویان را بیان می‌کند. این شرایط موجب شده است تا دانشجویان حتی در نقاط سرنوشت‌ساز تاریخی و مقاطع مهم و نقاط عطف هم توأمان عناصر فرهنگی مختلف را پی‌گیری و احیا و بازتولید نمایند. از نشانه‌های مهم این تعامل و ترکیب‌گرایی مستمر در دوران معاصر می‌توان به تأثیر مستقیم دخالت عنصر مذهب و هویت دینی به عنوان یک عنصر فرهنگی در سالهای اخیر و پذیرش نسبی روابط و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج به‌عنوان عنصر هویت مدرن در کنار حضور قوی مسئلهٔ هنجاری عفت و توجه جدی به حدود شرعی و اخلاق مذهبی در خانواده‌های ایرانی است و نیز از انقلاب اسلامی نام برد که در آن انگیزه‌های مذهبی و انگیزه‌های ملی هر دو در اوج خود مطرح و پیگیری شدند.

در نهایت با استفاده از تحلیل عاملی مشخص شد ابعاد هر یک از هویت‌های مدرن، جهانی شدن، ملی و دینی در یک راستا و همسو باهم قراردارند، جز بعد سیاسی هویت ملی که در فاصلهٔ زیادی نسبت به بقیه قرار داشت و همین‌طور جهانی‌شدن بسیار نزدیک به هویت مدرن بود که می‌توان آن‌ها را در یک طبقه، دسته‌بندی کرد؛ هدف اصلی این مقاله مطالعهٔ روابط و مناسبات میان ابعاد مختلف هویت‌های جمعی دانشجویان بوده است و بر این اساس پس از بررسی جایگاه و موقعیت جداگانه شامل هویت ملی، جهانی‌شدن، هویت مدرن و هویت دینی به روابط و مناسبات دوه‌دو میان آنها و نهایتاً روابط میان کلیت این ابعاد پرداخته شده است و از تکنیک‌های آماری مختلفی شامل آزمون همبستگی، تحلیل عاملی و رتبه‌بندی چندبعدی استفاده شد. لذا در مطالعهٔ متقابل انواع هویت در یک چارچوب و در ارتباط با هم در می‌یابیم که جامعه از هویت‌های منفرد تشکیل نشده بلکه مجموعهٔ هویت‌ها را باید در یک ساختار کلی مطالعه کرد و در ارتباط با هم تأثیر و تأثر آنها را بر یکدیگر در نظر داشت.

منابع

- امینی، محمد؛ رحیمی، حمید؛ نعمت الهی، حمید (۱۳۹۶) بررسی وضعیت ابعاد هویت ملی و دینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه کاشان)، نامه آموزش عالی، شماره ۳۹، ص ۱۵۷-۱۸۲
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷) نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه‌شناسی ایران؛ دوره ۹ شماره ۳۴، ص ۱۶۴-۱۴۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷) بررسی منابع هویت ایرانی، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- حقیقتیان، منصور؛ غضنفری، احمد و تکه‌اکبرآبادی، پروانه (۱۳۹۰) «هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۸۶.
- دان، رابرت جی (۱۳۸۴) نقد اجتماعی پست‌مدرنیته، ترجمه صالح نجفی، شیرازه و پردیس دانش، تهران.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱) آموزش شهروندی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شهرام نیا، امیر مسعود و همکاران (۱۳۹۵) رابطه مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی، نشریه رفاه اجتماعی، زمستان ۹۵ شماره ۶۱.
- طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سیدشهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان و محمدی آریا، علیرضا (۱۳۹۰) «رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران»، پژوهش رفاه اجتماعی، سال ۱۲، ش ۴۴، ص ۲۳-۴۲.
- فریدمن، دان (۱۹۹۴) بازتاب‌هایی از روابط انجمن‌ها و تغییرات اجتماعی، ترجمه معین محب‌علیان، نشریه توسعه، بهمن ۹۶، شماره ۶.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۳) عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- کرمانی، حسین؛ ساعی، منصور (۱۳۹۶) مطالعه تأثیر استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی بر هویت قومی دانشگاه‌های تهران، رسانه و فرهنگ، سال هفتم شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) **جهان رهاشده**، ترجمه علی اصغر سعیدی و دیگران، مشهد: نشر نیکان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۶) بحران هویت در نوجوانان، در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وثوقی، منصور؛ ساروخانی، باقر؛ رضاییان، علی (۱۳۹۶). هویت ملی و محلی مردم لک، مطالعات ملی، شماره ۶۹.
- Berzonsky, Michael D. (2003) "Identity Style and Well-Being: Does Commitment Matter?", *An International Journal of Theory and Research*, 3(2): 131-142.
- Berzonsky, Michael D. (1990) "Self-Construction over the Life-Span: A Process Perspective on Identity Formation". In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in Personal Construct Psychology*, 1: 155-186.
- Berzonsky, Michael D. (1990) "Self-Construction over the Life-Span: A Process Perspective on Identity Formation". In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in Personal Construct Psychology*, 1: 155-186.
- Crocetti, E.; Rubini, Monica; Berzonsky, Michael D.; Meeus, W. (2009) "Brief Report: The Identity Style Inventory - Validation in Italian Adolescents and College Students", *Journal of Adolescence*, 32: 425-433.
- Erikson, Erik H. (1968) *Identity: Youth and Crisis*, New York: Norton.
- Gellner, Ernest (1983) *Nations and Nationalism*. Oxford: Blackwell.
- Glin, L. (1997), Media and Identity, *Psychological Bulletin*:108:499503-.
- Marcia, J. E. (1966) "Development and Validation of Ego Identity Status", *Journal of Personality and Social Psychology*, 3: 551-558.
- Sanina, A. (2012) competing for acitizen: visible and invisible 3(2), 126-146.
- Turner, C. & Haslem, S. (2001) *Social Identity, Organization and Leadership*, London: Lawrence Erlbaum Association's Publishers.